گزارش ۲

سعیده زمانی

دولت چگونه می‌تواند با اصلاح ساختار اقتصاد بار تأمین مالی را از دوش بانک‌ها بردارد؟

سوخت‌رسانی مالی به تولید از مسیر بازار سرمایه

بار سنگین تأمین مالی بر دوش نظام بانکی، بازار سرمایه را با مطالبه افزایش سهم خود در تأمین مالی اقتصاد مواجه کرده است. با این حال لازمه تحقق این مسئله در گرو اصلاحات ساختاری از جمله کاهش نرخ تورم، افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و کاهش مداخلات غیرضروری دولت در حوزه تولید است. دومین همایش سالانه بازار سرمایه که روز گذشته با حضور وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان بورس و برخی از نمایندگان مجلس برگزار شد، فرصتی برای ترسیم رویکرد جدید دولت در مواجهه با این الزامات بود. سخنان مقامات اقتصادی در این همایش نشـــان داد دولت می‌خواهد بازار سرمایه را از یک بازار صرفا معاملاتی به یکی از محورهای اصلی تأمین مالی تولید، سرمایه‌گذاری بلندمدت و رشد اقتصادی تبدیل کند، اما تحقق این اهداف را نمی‌توان جدا از اصلاح سیاست‌های اقتصادی، بهبود محیط کسب‌وکار و بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران دنبال کرد.

اقتصاد ایران برای رشد به سرمایه‌گذاری نیاز دارد، اما تأمین مالی نباید صرفاً متکی به شبکه بانکی باشد. بازار سرمایه باید سهم بیشتری در تأمین مالی بلندمدت پروژه‌ها و بنگاه‌ها پیدا کند. با توجه به خوش‌بینی ایجادشـده در بازار سرمایه، اکنون فرصت مناسـبی فراهم شده تا با تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران، توسـعه ابزارهای مالی و تسهیل ورود منابع جدید و از همه مهم‌تر، بهبود محیط کسب‌وکار بخشی از نقدینگی و پس‌اندازهای مردم به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت شود. در این مسیر، بازار سرمایه می‌تواند به یکی از کانال‌های اصلی تأمین مالی تولید و پشتیبانی از طرح‌های توسعه‌ای کشور تبدیل شود.

■ تأکید بر ضرورت تغییر نقش بازار سرمایه

حجت‌اله صیدی، رئیس سازمان بورس روز گذشته ۳۰ آبان در همایش سالانه بازار سرمایه، با بیان اینکه اعتماد به بورس «بیش از دو برابر و حتی چندبرابر» بازگشته است از ارائه برنامه‌ای دو ساله به شورای عالی بورس برای تضمین و رشد بازار سرمایه خبر داد.

صیدی پنج درخواسـت مشـخص از رئیس‌جمهـور از جمله حذف قیمت‌گذاری دستوری، اولویت‌دهی به تأمین انرژی بنگاه‌ها، عرضه سهام شناور آزاد و سـهام تودلی، حفظ حقوق شرکت‌های بورسی در بودجه ۱۴۰۶ و بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری را مطرح کرد. محور سخنان سـایر مقامات اقتصادی در این همایش نیز عمدتاً بر رفع موانع تولید از طریق کنترل تورم، پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد و رفع بروکراسـی‌های پیچیده بود. به نظر می‌رسد دولت به‌تدریج به این جمع‌بندی رسیده که توسعه بازار سرمایه فقط با عرضه ابزارهای مالی جدید اتفاق نمی‌افتد، بلکه به اصلاح رابطه دولت با اقتصاد، ثبات سیاسـت‌های پولی، بهبود محیط تولید و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها نیاز دارد.

در همین ارتباط عبدالناصر همتی، رئیـس کل بانک مرکزی، ثبات اقتصادی را لازمه رشد بازار سرمایه عنوان کرد و با تأکید بر کنترل تورم و ثبات پولی بر ضرورت هماهنگی بازار پول و سرمایه و افزایش انضباط مالی دولت تأکید کرد.

رئیس کل بانک مرکزی حمایت از بازار سـرمایه را حمایت از تولید و اقتصاد کشور عنوان کرد و بازار سـرمایه را دارای ظرفیت تأمین مالی پروژه‌ها و طرح‌هایی دانست که برای رسیدن به درآمد به زمان بیشتری نیاز دارند و افزود: این بازار می‌تواند از طریق عرضه سهام جدید و انتشار اوراق، منابع مورد نیاز چنین طرح‌هایی را فراهم کند.

او با اشاره به امکان همکاری بازار پول و سـرمایه در تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها گفت: وقتی بنگاهی کالا را تحویل داده، اما هنوز بهای آن را دریافت نکرده است، ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای از جمله اوراق گام می‌توانند اعتبار را به یک معامله واقعی و نیاز مشخص بنگاه پیوند دهند.

■ دولت چه برنامه‌ای برای توسعه نقش بازار سرمایه دارد؟

عمده تمرکز سیاست‌گذار برای توسـعه بازار سرمایه تاکنون، بیشتر مبتنی بر عرضه ابزارهای جدید مالی و صندوق‌های سـرمایه‌گذاری بوده، اما این ابزارها به‌تنهایی تضمین‌کننده ورود سرمایه مردم نیست. سـرمایه‌گذار به ثبات قواعد، قابلیت پیش‌بینی سودآوری، شفافیت اطلاعات و امکان خروج از سرمایه‌گذاری هم نیاز دارد.

در این ارتبـاط علی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد در همایش روز گذشـته از برنامه‌هـای دولـت بـرای بهبود محیـط کسـب‌وکار و افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و کاهش نرخ تـورم گفت. او ثبات اقتصادی را نسبت به سیاست رشد اقتصادی در شرایط کنونی اولی‌تر دانست و افزود: دولت به دنبال حذف تدریجی مداخلات در بازارها و همچنین اصلاح دامنه نوسان در بورس است.

وزیر اقتصاد همچنین از هدف‌گذاری دولت بـرای کاهش نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه به ۴۰ درصد طی شش تا ۹ ماه آینده خبر داد. این وعده در شرایطی مطرح می‌شود که نرخ تورم در مهرماه از ۷۶ درصد فراتر رفته و دولت پیش از این نیز بارها بر برنامه خود برای مهار تورم تأکید کرده است. اکنون باید دید سیاست‌های اعلام‌شده تا چه اندازه می‌توانند به تحقق این هدف و بازگشت ثبات به اقتصاد و در نهایت نقش بیشتر بازار سرمایه در تأمین مالی تولید منجر شود.

بخش دیگری از اظهارات وزیر اقتصاد در این همایش به ابزارهای تأمین مالی و برنامه‌هایی متمرکز بود که قرار است سرمایه‌های مردم و منابع بخش خصوصی را به سمت تولید و پروژه‌های اقتصادی هدایت کند.

او نخستین برنامه را توسـعه صندوق‌های سـرمایه‌گذاری ارزی در چارچوب طرح رویش عنوان کرد و گفت: بـا همکاری بانک مرکزی، برخی قواعد مربوط به جذب سـرمایه‌های ارزی مردم تسهیل شده است تا منابعی که در سال‌های گذشته از چرخه اقتصاد خارج شده‌اند، دوباره به مسیر تولید و سرمایه‌گذاری بازگردند. به گفته وزیر اقتصاد، بنگاه‌های متعددی آمادگی انتشـار اوراق ارزی دارند و صندوق‌های سـرمایه‌گذاری ارزی می‌توانند منابع مردم را جـذب و به پروژه‌های سودآور و ارزآور اختصاص دهند.

وزیر اقتصاد دومین برنامه را راه‌اندازی صندوق‌های سـرمایه‌گذاری خصوصی یا پرایوت ایکویتی دانست و افزود: مقدمات این طرح انجام شده و به‌زودی از آن رونمایی خواهد شد. این صندوق‌ها با جذب منابع، در بنگاه‌ها و پروژه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری می‌کنند، ساختار بنگاه‌های موجود را اصلاح یا طرح‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند و توسعه می‌دهند و پس از بزرگ‌سازی، امکان واگذاری آنها را فراهم می‌کنند.

مدنی‌زاده سومین برنامه را تأمین مالی طرح‌های پیشران ملی عنوان کرد و گفت: طرح‌های بزرگ، سودآور و ارزآور کشور شناسایی شده‌اند و رفع موانع مجوزی و حاکمیتی آنها در قالب برنامه‌ای با عنوان «طرح ۲۰» در وزارت اقتصاد دنبال می‌شود. این طرح‌ها در مراسم رونمایی از سازمان سرمایه‌گذاری ایران معرفی خواهند شد تا منابع نظام تأمین مالی کشور به سمت پروژه‌های پیشران هدایت شود.

وزیر اقتصاد در بخش پایانی سخنان خود با تأکید بر ضرورت تغییر نگاه از مدیریت شرایط بحرانی به سمت ساختن آینده اقتصادی کشور اظهار کرد: انتظار ما از بازار سرمایه، فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاران و مردم این است که با مشارکت در پویش ملی «ایران را خواهیم ساخت»، منابع پس‌اندازی، سـرمایه‌ها، دارایی‌ها و ظرفیت‌های خود را برای ساختن ایران به میدان بیاورند. او تأکید کرد: دولت نیز از سمت حاکمیت تلاش می‌کند با ایجاد ثبات، فراهم کردن زمینه سـرمایه‌گذاری و برداشتن موانع از پیش پای تولیدکنندگان، تجار و فعالان اقتصادی، مسیر رشد و سرمایه‌گذاری را برای همه مردم هموار کند.

گزارش یک

بهناز قاسمی

خط‌ونشان پزشکیان برای شرکت‌های زیان‌ده

رئیس‌جمهور: مدیری که توان اداره مجموعه‌ای را ندارد، باید کنار برود، وقتی یک مجموعه زیان‌ده است، مبنای پرداخت فوق‌العاده مدیریت و پاداش به مدیر آن چیست؟



بعد از دسـتور مجدد رئیس دستگاه قضا مبنی بر پیگیری و اعلام وضعیت شـرکت‌های زیان‌ده دولتی، رئیس‌جمهور نیز نسبت به تداوم فعالیت شرکت‌های زیان‌ده دولتی و تخصیص بودجه به این شرکت‌ها موضع‌گیری کرد و گفت: مجموعه‌ای از شـرکت‌ها داریم که بخش عمده‌اش متعلق به بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، دولت و صندوق‌های بازنشسـتگی هسـتند و برخی از این شـرکت‌ها زیان‌ده هستند. مسعود پزشکیان با اشـاره به اینکه بنگاه‌های زیان‌ده یا بهره‌ور می‌شوند یا تعطیل افزود: اگر یک مجموعه اقتصادی به‌طور مسـتمر زیـان ایجاد می‌کند، باید مشخص شـود که علت این زیان چیست و آیا اساسـا ادامه فعالیت آن با همین ساختار و شـیوه مدیریتی توجیه دارد یا خیر. نمی‌توان از منابع دیگر برداشـت کرد، به یک بنگاه زیان‌ده اختصاص داد و در نهایت با ایجاد کسری، مشکلات جدیدی برای اقتصاد کشـور به وجود آورد. قرار نیست یک مجموعه زیان بدهد، ما از جای دیگری پول برداریم و بـه آن تخصیص دهیم و در نهایت کسری ایجاد شـود، چراکه ریشـه بسیاری از کسری‌های ما ناشی از همین سوءمدیریت‌هاست.

در طـول دو دهه اخیر، برخی مدیران شـرکت‌های دولتی بدون تخصص کافی برای اداره یک شرکت یا بنگاه اقتصادی، با لابی و زد و بند انتخاب شدند و به دلیل عدم توانایی کافی برای اداره مجموعه‌های تحت مدیریت‌شان، شـرکت و بنگاه را به سمت زیان‌دهی سوق داده‌اند. فعالیت شرکت‌های زیان‌ده دولتی که در سال ۱۴۰۳ به ۱۳۰ شرکت رسیده بود، بلای جان دولت و بودجه سنواتی کشور شده است.

در دی‌ماه ۱۴۰۰، در زمان تصویب بودجه سـنواتی کشور، مجلس نسبت به تعیین بودجه به این شرکت‌ها که هر سال تعدادشان افزایش می‌یابد، واکنش نشان داد، به طوری که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در همان زمان اعلام کرد کار گروهی متشکل از نمایندگان مجلس و سـازمان برنامه و بودجه تشـکیل شود و نسبت به تعیین تکلیف شـرکت‌های دولتی زیان‌ده و اختصاص بودجه به این شـرکت‌ها تصمیم‌گیری شود. در آن زمان در صحن مجلس اعلام شد که بیش از ۹۶ درصد زیان‌های شـرکت‌های دولتی متعلق به پنج شـرکت است و از سـوی دیگر، ۹۵ درصد سود شرکت‌های دولتی متعلق به ۱۰ شرکت است و مابقی شـرکت‌های دولتی در کل ۵ درصد سود دارند و این مسـئله حتماً باید در تخصیص بودجه شرکت‌های دولتی مورد توجه قرار گیـرد. به‌رغم این گزارش‌ها، هرساله به این شرکت‌های زیان‌ده بودجه اختصاص می‌یابد و در برخی موارد پاداش مدیران این شرکت‌ها حتی بیشتر از سایر مدیران شرکت‌های دولتی است.

■ ۱۳۰ شرکت دولتی در انتظار تعیین تکلیف

در سـال‌های ۹۷ تا ۹۹، ۱۲۵ شرکت دولتی زیان‌ده بودند، در سال ۱۴۰۳، تعدادشـان به ۱۳۰ شرکت رسیده و آمار سـال گذشـته، هنوز از سوی دولت اعلام نشده است. متأسـفانه این شرکت‌ها هر سال بیشترین تسهیلات را دریافت می‌کنند و مدیرانشان نیز مشمول دریافت پاداش‌های کلان دولتی می‌شوند. در ۲۹ اسفند سال ۱۴۰۳، گزارش ۱۳۰ شرکت دولتی زیان‌ده به هیئت دولت داده شـد؛ در گزارش مذکور درباره ادامه فعالیـت ۱۰۱ مورد از این شـرکت‌ها، واگذاری ۱۹ شـرکت، ادغام هشت شرکت و انحلال دو شرکت، پیشنهادهایی ارائه شد، اما تاکنون هیئت وزیران درباره آنها تصمیمی اتخاذ نکرده است.

از تیرماه تاکنون نیز سازمان بازرسی کل کشور منتظر گزارش وزارت اقتصاد و تعیین تکلیف ۱۳۰ شـرکت زیان‌ده اسـت. اخیراً نیز رئیس دستگاه قضا، بار دیگر سازمان بازرسـی کل کشـور را موظف کرد تا هرچه سریع‌تر گزارش جامعی از وضعیت شرکت‌های دولتی و آن دسته از این شرکت‌ها که زیان‌ده هستند ارائه دهد. اژه‌ای خطاب به سازمان بازرسی افزود: این مقوله نباید با گذر زمان به دست فراموشی سپرده شود و ضروری است با جدیت، تا انتها دنبال شود. همچنین مطلوب است که بخش‌هایی از این گزارش نیز به سمع و نظر مردم برسد. بعد از اظهارات اژه‌ای، رئیس‌جمهور چندین بار در سخنرانی‌ها و جلسات هیئت دولت از ضرورت تعیین تکلیف شرکت‌های زیان‌ده سـخن گفته و خواستار پیگیری از سوی وزارت اقتصاد و سایر بدنه دولت شده، اما تاکنون هیچ گزارشی تهیه و اعلام نشده است.

مسعود پزشکیان روز گذشته نیز در همایش سالانه بازار سـرمایه بار دیگر از تخصیص بودجه و ادامه کار مدیران ناتوان شرکت‌های دولتی زیان‌ده انتقاد کرد. این رویه دولت، باعث تعجب است، موضوعی که باید پیش از تدویـن و تنظیم بودجه سـنواتی در هیئت دولت مورد بررسی و آسیب‌شناسـی قرار گیرد، در همایش بازار سرمایه در خصوص آن صحبت می‌شود و این شرکت‌ها به تعطیلی تهدید می‌شوند.

> **پزشکیان: در اهواز، بندرعباس، خوزستان و تبریز بنگاه‌های اقتصادی و مجموعه‌های تولیدی فعال داریـم، اما مدیران آنها در تهران مستقر هسـتند و منابع مالی نیز عمدتاً در همین مرکـز تخصیص داده می‌شـود. در نظام بانکی نیز بخش قابل توجهی از منابع به تهران اختصاص می‌یابد، در حالی که شهرستان‌ها و مناطق دیگر کشور با محدودیت منابع مواجه هستند**

■ بنگاه‌های زیان‌ده یا بهره‌ور می‌شوند یا تعطیل

مسـعود پزشـکیان، رئیس‌جمهور که در همایش بازار سـرمایه سـخن می‌گفت، بهره‌وری و اصلاح مدیریت بنگاه‌های اقتصـادی را از دیگر محورهای مورد توجه دولت دانست و با اشـاره به زیان‌ده بودن برخی شرکت‌های وابسـته به بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، سـازمان تأمین اجتماعی، دولـت و مجموعه‌های بازنشستگی اظهار داشـت: برخی از این شرکت‌ها با وجود برخورداری از ظرفیت‌هـا و منبع قابل توجه، زیان‌ده هستند و باید بررسـی کنیم که چرا چنین وضعیتی شکل گرفته و چگونه می‌توان مدیریت این مجموعه‌ها را اصلاح کرد.

■ اصلاح مدیریت و ارتقای بهره‌وری

پزشـکیان با اشاره به وضعیت شـرکت‌های زیان‌ده و ضرورت بازنگری در نحوه اداره آنها اظهار داشـت: اگر یک مجموعه اقتصادی به‌طور مستمر زیان ایجاد می‌کند، باید مشخص شود که علت این زیان چیست و آیا اساساً ادامه فعالیت آن با همین ساختار و شیوه مدیریتی توجیه دارد یا خیر. نمی‌توان از منابع دیگر برداشت کرد، به یک بنگاه زیان‌ده اختصاص داد و در نهایت با ایجاد کسری، مشکلات جدیدی برای اقتصاد کشور به وجود آورد.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه بخشـی از کسـری‌ها و مشکلات اقتصادی ناشی از سوءمدیریت است، افزود: در جلساتی که با مسئولان مربوطه برگزار کرده‌ایم، موضوع عملکرد شـرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و میزان زیان‌دهی آنها مورد بررسـی قرار گرفته است. برخی مجموعه‌ها ارقام بسیار بزرگی زیان‌دهی دارند و باید مشخص کنیم که مشـکل در کجای ساختار مدیریتی و عملکرد این بنگاه‌ها قرار دارد.

پزشکیان با تأکید بر ضرورت پاسخ‌گویی مدیران این مجموعه‌ها خاطرنشـان کرد: وقتی مسئولیت اداره یک بنگاه اقتصادی را برعهـده داریم باید بتوانیم آن را به‌درسـتی مدیریت کنیم. اگر مدیری توان اداره مجموعه‌ای را ندارد، باید در مسئولیت خود تجدیدنظر کند. نمی‌توان یک بنگاه را با مدیریت ناکارآمد اداره کرد، زیان به بار آورد و در عین حال برای مدیران آن پاداش و مزایا در نظر گرفت.

رئیس‌جمهور ادامه داد: وقتی یک مجموعه اقتصادی زیان‌ده اسـت، پرداخت فوق‌العاده‌های مدیریتی و پاداش‌های پایان سـال به مدیران آن چه توجیهی دارد؟ این مسـائل نیز از جمله موضوعاتی است که دولت درصدد اصلاح آنهاست. باید تکلیف بنگاه‌هایی که تحت مدیریت دولت، بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان تأمین اجتماعی و مجموعه‌های بازنشسـتگی قرار دارند، روشـن شـود؛ بنگاه‌هایی که یا باید با اصلاح مدیریـت و افزایش بهره‌وری به فعالیـت مؤثر ادامه دهند یا در صورت نداشـتن توجیه اقتصادی، درباره ادامه فعالیت آنها تصمیم‌گیری شود.

پزشکیان با اشـاره به لزوم اصلاح ساختار بنگاه‌های اقتصادی افزود: هدف این است که شرکت‌ها به سمت بهره‌وری، کارآمدی و مدیریت صحیح حرکت کنند و منابع کشور در مجموعه‌هایی که توان ایجاد ارزش و بازدهی ندارند، به شکل غیرهدفمند مصرف نشود. این موضوع با همکاری مسئولان اقتصادی دولت و مدیران مربوطه در حال پیگیری است.

■ ضرورت اصلاح سیاست‌های قیمت‌گذاری

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سـخنان خود، با اشاره به چالش‌های سیاسـت قیمت‌گذاری در اقتصاد کشور اظهار داشـت: قیمت‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که هم تولیدکننده بتواند به فعالیت خـود ادامه دهد و هم بازار از شرایط غیرمنطقی و افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها مصون بماند. اگر محصولی را که تولید می‌شود، با قیمت غیرواقعی و به‌صورت دستوری عرضه کنیم، ممکن است تولیدکننده انگیزه خود را از دسـت بدهد و اساساً تولید متوقف شود. پزشـکیان تصریح کرد: نمی‌توان از تولیدکننده انتظار داشت محصولی را با قیمتی تولید و عرضه کند، در حالی که هزینه‌های تولید و شرایط اقتصادی امکان چنین کاری را فراهم نمی‌کند. در مقابل، آزاد گذاشتن کامل بازار نیز به این معنا نیست که تولیدکننده یا عرضه‌کننده بتواند هر قیمتی را که خواست تعیین کند و محصول را با قیمت‌های غیرمنطقی به فروش برساند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت مدیریت بازار و ایجاد تعادل میان منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان افزود: باید حاشیه سود معقولی برای تولیدکننده در نظر گرفته شود تا تولید استمرار یابد، اما در عین حال سـازوکارهایی وجود داشته باشـد که مانع افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها و سوءاستفاده از شرایط بازار شود.

پزشکیان با اشـاره به رویکرد دولت در زمینه کاهش مداخلات دسـتوری در قیمت‌گذاری گفت: تلاش ما این است که قیمت‌گذاری دستوری انجام ندهیم و در چارچوب قوانین و سیاست‌های مصوب، زمینه فعالیت اقتصادی را فراهـم کنیم، اما این رویکـرد به معنای رها کردن بازار و بی‌تفاوتی نسـبت به قیمت‌ها نیست. مدیریت بازار و جلوگیری از افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها نیز از موضوعاتی است که باید به‌درستی دنبال شود.

رئیس‌جمهور با انتقـاد از تمرکز مدیریـت و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در پایتخت گفت: بسیاری از بنگاه‌ها و مجموعه‌های اقتصادی در استان‌ها فعالیت دارند، اما مدیران و مسئولان آنها در تهران مستقر هستند. این تمرکز نیز باید مورد بررسی قرار گیرد تا بتوانیم زمینه توسعه متوازن، افزایش فرصت‌های اقتصادی در استان‌ها و تحقق عدالت در توزیع امکانات را فراهم کنیم.

■ بی‌عدالتی در نظام پرداخت و دستمزد

پزشکیان تصریح کرد: در اهواز، بندرعباس، خوزستان و تبریز بنگاه‌های اقتصـادی و مجموعه‌های تولیدی فعال داریم، اما مدیران آنها در تهران مستقر هستند و منابع مالی نیز عمدتاً در همین مرکز تخصیص داده می‌شود. در نظام بانکی نیز بخش قابل توجهی از منابع به تهران اختصاص می‌یابد، در حالی که شهرستان‌ها و مناطق دیگر کشور با محدودیت منابع مواجه هستند.

رئیس‌جمهور افزود: وقتی منابـع از مناطق مختلف جمع‌آوری می‌شود، اما در مرحله تخصیص، عمدتاً در مناطق نزدیک به مراکز تصمیم‌گیری هزینه می‌شود، طبیعی اسـت که روند توسـعه نیز در همان مناطق متمرکز شـود. نحوه جمع‌آوری منابع و سازوکارهای تخصیص آن باید با نگاه کارشناسـی بررسی شود تا بتوانیم شرایط متوازن‌تری در اقتصاد کشور ایجاد کنیم. پزشکیان با اشاره به نقش سازوکارهای پرداخت و نظام جبران خدمات در تمرکز نیروی انسـانی خاطرنشان کرد: وقتی مدیران در تهـران از امکانات، پرداخت‌ها و شرایط بهتری برخوردار باشند، طبیعی است که تمایل داشته باشند در تهران فعالیت کنند. همین وضعیت در شـهرهای دیگر نیز وجود دارد. اگر شرایط مدیریتی و پرداخت در تبریز بهتر از مرند باشد، افراد از مرند به تبریز مهاجرت می‌کنند و اگر شرایط تهران بهتر باشد از تبریز به تهران می‌روند. این روند به‌تدریج موجب تمرکز نیروی انسانی، امکانات و فرصت‌ها در مراکز بزرگ می‌شود.

پزشـکیان تأکید کرد: اگر می‌خواهیم افراد توانمند، متخصص و کارآمد در مناطق محـروم حضور پیدا کنند، باید سازوکارهای پرداخت، تخصیص منابع و ایجاد انگیزه را به‌گونـه‌ای طراحی کنیم که حضور و فعالیت در این مناطق برای آنان جذاب و مؤثر باشد. نظام پرداخت و سیاست‌های تخصیص منابع، رفتار افراد را تعیین می‌کند و ایـن رفتارها نیز تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های ما شکل می‌گیرد.

گزارش ۳

زینب زرین

عبور از گردنه گازی پاییز و زمستان مستلزم مدیریت دولت و همراهی مردم است

معمای شعله‌ها و چراغ‌ها

مدیریت هوشمندانه مصرف گاز در بخش خانگی و صنعتی، در کنار برنامه‌ریزی دولت برای تأمین سوخت نیروگاه‌ها، زمینه عبور مطمئن از روزهای سرد و حفظ پایداری شبکه انرژی را فراهم می‌کند

عبور از روزهای سرد پاییز و زمستان، بیش از هر زمان دیگری، به هماهنگی سیاست‌های تأمین انرژی و الگوی مصرف مشترکان وابسته است، زیرا با وجود برخورداری کشورمان از ظرفیت کافی تولید برق، وابستگی حدود ۷۰ درصدی تولید برق به گاز طبیعی، مدیریت این منبع راهبردی را بـه یکی از ضرورت‌های اصلی فصل سرد تبدیل کرده است. لکن برنامه‌ریزی دولت برای تأمین و ذخیره‌سازی سوخت نیروگاه‌ها در کنار رعایت الگوی مصرف در بخش خانگی، تجاری و صنعتـی، دو ضلع مکمل پایداری شبکه انرژی هستند، به‌ویژه آن‌که کاهش مصارف غیرضروری، ضمن کاستن از فشار بر شبکه گاز، امکان تخصیص مطمئن‌تر سـوخت به نیروگاه‌ها را فراهم می‌کند و همراهی مردم را به پشتوانه‌ای مؤثر برای مدیریت فصل سرد تبدیل خواهد کرد.

افزایش مصرف گاز در ماه‌های سـرد، ترکیب تقاضا در بخش‌های مختلف اقتصاد را تغییر می‌دهد و سهم بیشتری از گاز تولیدی را به گرمایش ساختمان‌های مسـکونی، تجاری و اداری اختصاص می‌دهد، در مقابل نیروگاه‌ها برای حفظ سطح تولید برق به جریان مستمر سـوخت نیاز دارند و طبعاً کاهش در سهم گاز تخصیصی، ضرورت اسـتفاده از منابع جایگزین را افزایش می‌دهد، به همین دلیل مدیریـت مصرف در بخش سـاختمان و کنتـرل مصارف غیرضروری، بخشـی از معادله تأمین انرژی در فصل زمسـتان محسوب می‌شود. نیروگاه‌های حرارتی کشـورمان عمدتاً با گاز طبیعی فعالیت می‌کنند و در زمان محدودیت عرضه این سوخت، امکان اسـتفاده از گازوئیل نیـز برای بخشـی از آنها پیش‌بینی شده است. با این حال سـوخت مایع به دلیل هزینه‌های انتقال و ذخیره‌سازی، محدودیت‌های عملیاتی و ملاحظات زیست‌محیطی، جایگزینی بدون محدودیت برای گاز طبیعی نیست و استفاده از آن باید متناسب با ظرفیت نیروگاه‌ها و میزان ذخایر موجود مدیریت شود. ساختار مصرف گاز در کشورمان نیز بر پیچیدگی مدیریت زمستانی انرژی می‌افزاید، زیرا بخش خانگی و تجاری در روزهای سرد سـهم بالایی از تقاضا را به خود اختصاص می‌دهد و افزایش مصرف این بخش‌ها، فضای بیشتری برای مدیریت تخصیص گاز در شبکه ایجاد نمی‌کند، از طرفی صنایع نیز برای استمرار تولید به انرژی پایدار نیاز دارند و محدودیت سوخت آنها در نهایت بر هزینه تمام‌شـده محصولات، میزان تولید و تعهدات بازار اثر می‌گذارد. بنابراین مدیریت تقاضـا باید به‌گونه‌ای انجام شـود که نیازهای ضروری خانوارها تأمین شـود و فعالیت نیروگاه‌هـا و واحدهای تولیدی نیز با اختلال مواجه نشود.

مهم بودن این مسئله از آنجایی است که وابستگی بالای نیروگاه‌ها به گاز طبیعی، عملکرد دو شبکه گاز و برق را به یکدیگر پیوند داده است، به‌گونه‌ای که در تابستان افزایش تقاضای برق به دلیل استفاده از وسایل سرمایشی، ظرفیت تولید را تحت فشار قرار می‌دهد، اما در زمستان افزایش مصرف گاز برای گرمایش، مسئله تأمین سوخت نیروگاه‌ها را بـه اولویت اصلی تبدیل می‌کنـد. بنابراین مدیریت مصرف گاز در ساختمان‌ها، علاوه بر کاهش هزینه خانوار، به حفظ منابع مورد نیاز برای تولید برق نیز کمک می‌کند.

همچنین اوج مصرف برق در تابستان امسـال به حدود ۷۵ هزار مگاوات رسید، در حالی که تقاضای زمستانی در محدوده ۴۷ تا ۴۸ هزار مگاوات برآورد شده اسـت. بنابراین ظرفیت تولید نیروگاه‌ها برای پاسخ‌گویی به نیاز زمستانی کفایت دارد و مسئله اصلی، تأمین سوخت مورد نیاز برای بهره‌برداری از این ظرفیت است. این موضوع ضرورت توجه به مدیریت منابع گاز را افزایش می‌دهد، زیرا وجود نیروگاه‌های آماده تولید، بدون دسترسی به سوخت کافی، تضمینی برای تأمین برق نخواهد بود. در نتیجه برنامه‌ریزی برای تخصیص گاز، تأمین سوخت جایگزین و تکمیل ذخایر نیروگاهی باید پیش از رسیدن به روزهای اوج مصرف انجام شود تا شبکه انرژی با انعطاف بیشتری در برابر تغییرات تقاضا فعالیت کند.

■ ذخایر نیروگاهی پشتوانه مدیریت روزهای سرد است

در بخش تأمین سوخت، توسـعه ظرفیت ذخیره‌سازی نیروگاه‌ها یکی از اقداماتی است که برای افزایش آمادگی شبکه دنبال شده است. طبق اظهارات مسئولان صنعت برق، احداث مخازن جدید حدود ۴۰۰ میلیون لیتر به ظرفیت ذخیره‌سازی سوخت نیروگاهی افزوده و مجموع ظرفیت خالی مخازن به بیش از یک میلیارد لیتر رسیده است. این ظرفیت امکان ذخیره‌سـازی حجم بیشتری از سوخت مایع را فراهم می‌کند و در صورت تکمیل ذخایر، پشتوانه مناسبی برای تأمین برق در روزهای محدودیت گاز خواهد بود.

البته ظرفیت خالی مخازن با میزان سـوخت ذخیره‌شده یکسان نیست و بهره‌برداری از این زیرساخت‌ها به تأمین فرآورده، انتقال به نیروگاه‌ها و تکمیل ذخایر پیش از اوج مصرف وابسته است، به‌ویژه آن‌که طبق اعلام مسئولان صنعت برق، میزان ذخایر فعلی سوخت مایع نسبت به سال گذشته کمتر اسـت و همین مسئله ضرورت تسریع در فرایند ذخیره‌سازی را افزایش می‌دهد.

برنامه‌ریزی برای تکمیل ذخایر تا پیش از نیمه آذر مهم است، زیرا دوره اوج مصرف زمستانی طبق برآوردهای اعلام‌شده از نیمه آذر تا نیمه بهمن ادامه دارد و افزایش تقاضای گرمایشـی در این بازه، فشار بیشتری بر شبکه گاز وارد می‌کند. از این‌رو هماهنگی میان بخش‌های تولید و توزیع سوخت، آماده‌سازی مخازن و پیش‌بینی نیاز نیروگاه‌ها باید با زمان‌بندی مشخص دنبال شود. در کنار تأمین سوخت جایگزین، مدیریت مصرف گاز در بخش خانگی نیز فرصت بیشـتری برای تخصیص منابع به نیروگاه‌ها ایجـاد می‌کند، زیرا هر میزان کاهش در مصارف غیرضروری، فشار تقاضا را در شبکه گاز کمتر می‌کند و امکان مدیریت بهتر جریان سـوخت را فراهم می‌آورد، به همین دلیل اصلاح الگوی مصرف نباید صرفاً به روزهای اوج سرما محدود شود و لازم است از ابتدای فصل پاییز مورد توجه خانوارها، دستگاه‌های اجرایی و واحدهای اقتصادی قرار گیرد.

■ مشارکت اقتصادی خانوارها در پایداری انرژی

مصرف گاز در سـاختمان‌ها تحت تأثیر عواملـی مانند کیفیت عایق‌بندی، نوع تجهیزات گرمایشـی، دمای تنظیم‌شده و نحوه استفاده از وسـایل گرمازا قرار دارد. در بسـیاری از ساختمان‌ها بخشی از انرژی مصرفی به دلیل نفوذ هوای سرد از پنجره‌ها و درها یا اتلاف حرارت از دیوارها و سقف هدر می‌رود و اصلاح این وضعیت، بدون نیاز به کاهش آسایش سـاکنان، امکان مدیریت مصرف را فراهم می‌کند.

تنظیم دمای وسـایل گرمایشـی در محدوده متعارف، خاموش کردن تجهیزات در اتاق‌های بلااسـتفاده، اسـتفاده از پرده‌های مناسب و سرویس دوره‌ای وسایل گرمایشی، اقداماتی هستند که هزینه اجرایی محدودی دارند و در مجمـوع مصرف گاز خانوار را کاهش می‌دهند. همچنین استفاده از تجهیزات پربازده و توجه به استانداردهای مصرف انرژی در ساختمان‌های جدید، در بلندمدت هزینه تأمین گرمایش را برای خانوارها کمتر می‌کند.

در بخش اداری و تجاری نیز مدیریت ساعات فعالیت سامانه‌های گرمایشی، کنترل دمای محیط و جلوگیری از گرم کردن فضاهای کم‌استفاده، ظرفیت مناسـبی برای کاهش تقاضا ایجاد می‌کند، از طرفی واحدهای صنعتی با بهینه‌سـازی تجهیـزات و اصلاح فرایندهای تولید، ضمن کاهش مصرف انرژی، هزینه‌های عملیاتی خود را کنترل می‌کنند و فشار کمتری بر شبکه گاز وارد می‌آورند.

مسـئولان صنعت برق صرفه‌جویی حدود ۲۰ درصدی در مصرف گاز و برق را هدفی مؤثر برای جلوگیری از بروز اختلال در شـبکه عنوان کرده‌اند، تحقق این میـزان صرفه‌جویی به معنای کاهش گسترده مصارف غیرضروری در بخش‌های مختلف است و مشارکت خانوارها، ادارات، مراکز تجاری و صنایع در دسـتیابی به آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. البته تحقق این هدف باید با اطلاع‌رسـانی دقیق، ارائه راهکارهـای عملی و فراهم کردن زمینه اسـتفاده از تجهیزات کم‌مصرف همراه شود.

کاهش مصرف انرژی به کاهش هزینه قبـوض خانوارها محدود نمی‌شود، زیرا مدیریت تقاضای گاز امکان تخصیص منابع بیشتر به نیروگاه‌ها و واحدهای تولیدی را فراهم می‌کند و از هزینه‌های ناشی از محدودیت انرژی در بخش صنعت می‌کاهد. استمرار فعالیت کارخانه‌ها، حفظ اشتغال و جلوگیری از اختلال در تأمین کالاها نیز از پیامدهای مثبت دسترسی پایدار به انرژی است.